



واکاوی تحولات کالبدی - ادراکی روستاهای پیراشهری

مورد: روستای مهرآباد در شهرستان دماوند

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

صفحات: ۱۶۲-۱۴۳

محمد قاسمی سیانی؛ عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاددانشگاهی، تهران، ایران.
اسداله نجفی؛ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، سازمان راه‌داری و حمل و نقل جاده‌ای، تهران، ایران.

چکیده

شهرها با رشد شتابان خود بزرگ‌تر می‌شوند و بازتاب اکولوژیکی شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و روند رو به رشد جمعیت آن‌ها در درجه اول گسترش فضایی یا توسعه کالبدی شهرها و دست‌اندازی به زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی پیرامون است. این گسترش از یک سو باعث شهرگریزی و از سوی دیگر باعث افزایش رغبت به خانه‌های دوم و استراحت در مکان‌هایی به دور از شهرها شده است. این موضوع به ویژه برای روستاهای همجوار کلانشهرها، خصوصاً تهران و شهرهای بزرگ جدی است. بنابراین هر سکونتگاه روستایی که در حاشیه و پیرامون این مراکز شهری استقرار یافته باشد در معرض توجه قرار گرفته و این امر در روستاها اثرات مختلفی را بر جای گذاشته است. هدف این تحقیق بررسی اثرات محیطی، کالبدی-فضایی و اجتماعی و اقتصادی خزش شهری در روستای مهرآباد است. روش تحقیق در این مقاله روش کیفی مبتنی بر مصاحبه است، جامعه آماری پژوهش را دو گروه مدیران و مسئولین و خانوارهای روستایی ساکن روستا تشکیل داده است. مصاحبه‌ها به روش گلوله برفی و تا حد اشباع انجام پذیرفت. نتایج بیانگر آن بود که در بعد اجتماعی رشد پدیده شهرگرایی و تغییر نگرش روستائیان مهم‌ترین اثری است که رشد شهری در روستای مهرآباد به جای گذاشته است و در بعد اقتصادی عدم تعادل در اشتغال و کاهش درآمد و پس‌انداز روستائیان که در نتیجه راکد ماندن کشاورزی و دامداری رخ داده است مهم‌ترین اثر کالبدی حاصل از خزش شهری در روستای مهرآباد قانون‌گریزی و افزایش ساخت و ساز غیرمجاز بوده است و در بعد محیطی نیز تخریب منابع طبیعی و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی را به همراه داشته است.

واژه‌های کلیدی:

خزش شهری،
تحولات محیطی،
پیراشهر، مهرآباد.

ghasemi_siani@yahoo.com

نحوه ارجاع به مقاله:

قاسمی سیانی، محمد و نجفی. اسدالله. ۱۳۹۹. واکاوی تحولات کالبدی - ادراکی روستاهای پیراشهری مورد: روستای مهرآباد در شهرستان دماوند. مجله توسعه فضاهای پیراشهری. (۳): ۱۶۲-۱۴۳



رشد و گسترش پراکنده یکی از اشکال شکل شهر است که بر اساس عوامل متعددی چون دگرگونی بنیان اقتصادی شهر، امکان بورس بازی زمین، سیاست‌های سهل انگارانه‌ی شهرسازی و تصمیم‌گیری‌های ناگهانی برای توسعه‌ی شهری، قوانین و برنامه‌های ناکارآمد شهری شکل می‌گیرد و خود موجب پیدایش پیامدهای ناگوار زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی شده و برای شهرهایی که با آن دست به‌گریبان‌اند، به مسئله‌ای بغرنج تبدیل شده است (عباس‌زادگان و رستم‌یزدی، ۱۳۸۷: ۳۳). شهرها با رشد شتابان خود بزرگ‌تر می‌شوند و بازتاب اکولوژیکی شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و روند رو به رشد جمعیت آنها در درجه اول گسترش فضایی یا توسعه کالبدی شهرها و دست‌اندازی به زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی پیرامون است. چراکه شهرها و روستاها به عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل‌دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه هستند که دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند. این کانون‌های سکونتگاهی در گذر تاریخ و به تبعیت از شرایط مکانی و زمانی آن ناحیه، شاهد دگرگونی اساسی در ساختار و کارکرد خود بوده‌اند. بدنبال تغییر در فضای محیطی این‌گونه جوامع، روابط و پیوندها و نوع مناسبات میان این دو عرصه جمعیتی دستخوش تحولات بنیادین گردیده است (افراخته، ۱۳۹۲: ۱۰). در این فرایند که در نتیجه‌ی جابه‌جایی و تغییر مکان فعالیت‌ها از شهر مرکزی به پیرامون رخ می‌دهد گستره‌ی زیادی از جریان‌های سرمایه‌گذاری و فرصت‌های اقتصادی از مرکز به پیرامون تغییر جهت می‌دهند.

اصطلاح پراکنده‌رویی برای نخستین بار در سال ۱۹۳۷ توسط ارال دراپر در کنفرانس ملی اختیارات برنامه‌ریزی دره تنسی مورد استفاده قرار گرفت و از آن به‌عنوان توسعه زشت و نازیبا و غیراقتصادی یاد شد (حسینی و حسینی، ۱۳۹۴: ۳۶). به نظر می‌رسد که چهار عامل عمده در پراکنده‌رویی نقش آفرین بوده‌اند: ۱- حرکت انبوه مردم از روستاها به شهرها؛ ۲- تبدیل برخی از روستاها به شهر؛ ۳- رشد طبیعی جمعیت شهرها؛ و ۴- گسترش فیزیکی شهرها و به تبع آن ادغام روستاهای مجاور در فضای شهر (قادرمزی و افشاری، ۱۳۸۷: ۳). در حقیقت، رشد و گسترش سریع شهر، تحت تأثیر عوامل برونزا، پس از تغییر جایگاه در سطوح تقسیمات کشوری، بویژه ارتقاء جایگاه شهر از مرکز شهرستان به مرکز استان، می‌تواند به پراکنده‌رویی شهری منجر گردد (عزیزپور و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۰). در اثر رشد سریع، شهرها نمی‌توانند برای همه جمعیت افزوده شده فضای حیاتی مناسبی فراهم کنند و به همین خاطر بخشی از جمعیت اضافه شده به شهر به پیرامون آن رانده می‌شوند این موضوع از دو منظر قابل توجه است در دیدگاه اول روستائیان فقیر و کارگری که توان جذب در نقاط شهری را به لحاظ مالی و اجتماعی ندارند به روستاهای همجوار شهرها که از لحاظ هزینه‌های زندگی در سطح پایین‌تری قرار دارد رانده می‌شوند در این مورد سکونتگاه‌های روستایی نزدیک به شهر اصلی‌ترین مکان جذب چنین جمعیتی هستند. در واقع مجاورت با شهر امکان استفاده از خدمات موجود در شهر را به ویژه در زمینه‌های اقتصادی برای ساکنان این‌گونه روستاها امکان‌پذیر می‌سازد. در نتیجه بسیاری از مهاجران به شهر به دلیل پایین بودن هزینه‌های زندگی و مخصوصاً هزینه‌های تأمین زمین و مسکن در روستاهای پیرامونی نسبت به شهر، به این‌گونه روستاها مهاجرت می‌کنند. در چنین فرایندی، بسیاری از این روستاها پس از مدتی کارکرد «سکونت-خوابگاهی» پیدا خواهند کرد؛ یعنی بیشتر ساکنان آنها روزها در مشاغل مختلف شهر اشتغال پیدا می‌کنند و شب‌ها در روستاهای پیرامون شهر به سر می‌برند. به این ترتیب اقتصاد روستا تحت تأثیر

همجواری با شهر به تدریج تغییر پیدا می کند و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی، به کانونی بی هویت و مصرف کننده منابع شهر تبدیل می گردد و در نتیجه ساختار اقتصادی روستا تابع فرایندهای اقتصادی شهر می شود. این موضوع در بیشتر روستاهای نزدیک به شهرهای بزرگ به ویژه پایتخت صورت پذیرفته است. در اثر مهاجرپذیری، جمعیت این روستاها فوق العاده افزایش می یابد و باعث گسترش فیزیکی و کالبدی روستاها و خزش شهری به زمین های کشاورزی نزدیک روستا می شود فرصت های شغلی، عمدتاً در بخش خدمات، زمینه تأمین درآمد و کار را برای ساکنین روستاهای واقع در حریم شهرها فراهم آورده است.

از دیدگاه دوم روستاهایی که خوش آب و هوا بوده و به نوعی به مراکز شهری نزدیک هستند باعث توجه قشر متوسط رو به بالای جامعه شهری برای استراحت و تفریح به دور از هیاهوی شهری شده است در این مورد زمین های کشاورزی و باغات روستائیان مورد توجه شهرنشینان واقع می شود و به تدریج گسترش کالبد روستا به پیرامون و دست اندازی به اراضی کشاورزی اطراف، محدودیت ها و زیان های کالبدی اقتصادی، اجتماعی و محیطی خاص خود را نیز تحمیل می نماید؛ از یکسو ساختار معیشت روستا تحت تأثیر همجواری با شهر به تدریج تغییر ماهیت داده و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی به کانونی بی هویت و انگل شهر تبدیل و در نتیجه ساخت اقتصادی روستا تابع فرایندهای اقتصادی شهر می شود؛ از طرفی، وجوه اجتماعی - فرهنگی ساکنین روستاها نیز با فاصله گرفتن از تحولات و پویایی اندام وار درونی متأثر از جریانات و تحولات اجتماعی - فرهنگی بیرونی و برآمده از شهر می شود که به دلیل سرعت و شدت اثرگذاری، نتیجه ای جز دگرسویی با ساخت اجتماعی موجود در روستا را ندارد. از بعد کالبدی زمین های زراعی روستا، ارزش تجاری یافته و بازار خرید و فروش زمین های زراعی و تبدیل آنها به زمین های مسکونی، خدماتی و تفریحی رونق می گیرد. در این بین، افزون بر اینکه بافت و کالبد روستا دستخوش تغییر کارکرد و ماهیت می شود، به تدریج طبقه ای از صاحبان درآمدهای بالنسبه هنگفت (در مقیاس روستا) شکل می گیرد که خود عامل تشدید و رونق بازار زمین در روستا می گردد؛ افزایش تقاضا برای مسکن از جمله عوامل دیگر برای ساخت و سازهای بی ضابطه و بی رویه است که خود نقشی اساسی در آشفتگی ساخت و بافت کالبدی روستا ایفا می نماید. آثار و پیامدهای حاصل از روابط نابرابر و بعضاً مخرب تحمیل شده از شهر به روستاهای پیرامونی تنها معطوف به موارد مذکور نبوده، بلکه در ابعاد دیگری نظیر زیست محیطی، فضایی و مدیریتی - نهادی نیز دارای مسایل متعددی است.

بر همین اساس، روستای مهرآباد به عنوان یکی از روستاهای نزدیک و خوش آب و هوای تهران، اثرات پدیده خزش شهری را تجربه کرده است. در دهه های اخیر، اراضی کشاورزی و باغات پیرامون روستا برای اسکان ارزان قیمت، ویلاسازی و ایجاد خانه های دوم از دست رفته است. مهم ترین دلیل گرایش و رغبت به این روستا علاوه بر نزدیکی به شهر تهران، وجود آب و هوای مطبوع و باغات فراوان و دسترسی خوب و قابل اطمینان بوده است که در اثر استقبال شهرنشینان به این روستا، چهره روستا، بر اثر افزایش شدید جمعیت و به تبع آن گسترش فضایی، تغییرات قابل توجهی را به خود دیده است. نقش استراحتگاهی و خوابگاهی روستا غالب گشته است و باعث جابه جایی سریع و تراکم شدید جمعیت شده و بافت ارگانیک و سنتی این روستا به هم ریخته است (بنا به گفته شورای اسلامی روستا در ۱۰ سال اخیر بالغ بر ۳۰ ویلا و باغ توسط سرمایه داران شهر تهران در این روستا خریده یا ساخته شده است). به این

ترتیب، در این روستا، حجم و سیعی از جمعیت که هیچ گونه وابستگی ریشه‌ای به محل سکونت خود ندارند، تجمع یافته‌اند. از آنجایی که گسترش فضائی شهر بالاخص در سال‌های اخیر بصورت گسترش غیرارگانیک بوده، دگرگونی‌هایی را به دنبال داشته که این دگرگونی‌ها در ابعاد مختلف پیامدهایی را شکل داده است. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی اثرات و دگرگونی‌های، محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی این پدیده می‌پردازد. پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش اساسی است که هجوم شهرنشینان به روستا و ویلاسازی‌ها، چه اثراتی را در روستای مهرآباد در برداشته است؟ و روستائیان چگونه این اثرات را ادراک می‌نمایند؟ با عنایت به گستردگی موضوع خزش و پراکنده‌رویی، پژوهش‌های زیادی در این خصوص انجام شده است. این پژوهش‌ها مستقل از نوع نظام اقتصادی - سیاسی به نتایج کم و بیش یکسانی رسیده‌اند در یک دسته‌بندی کلی برخی پژوهش‌ها موضوع خزش شهری را بر تصرف زمین و تغییر کاربری اراضی محدود نموده‌اند. در این زمینه می‌توان به مطالعات چالتو تافا (۲۰۱۴) در اتیوپی شرقی، بی انسا (۲۰۱۲) در رومانی که شاهدی بر خزش شهری و تغییر گسترده کاربری اراضی هستند اشاره کرد. این تحقیقات مهم‌ترین اثر رشد و گسترش شهری را تخریب زمین‌های کشاورزی روستاهای پیرامون و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی به تجاری و صنعتی و مسکونی بیان نموده‌اند. برخی دیگر از پژوهش‌ها اثرات رشد شهری را به صورت مشخص بر تخریب محیط زیست، اندازه مصرف منابع طبیعی و کارایی زیرساخت‌ها مورد توجه قرار داده‌اند (Batty et al: 2003, Alberti, 2005; Burchell et al, 2002). برخی پژوهش‌ها به بررسی پیامدهای اقتصادی و زیست‌محیطی پدیده خزش اشاره داشته‌اند و پژوهش‌هایی نیز به نظام مدیریت و توسعه سیاسی و اداری پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها به بررسی اثرات اجتماعی پرداخته‌اند از جمله گوردون و ریچاردسون بیان می‌کنند که پراکنده‌رویی ارتقاءدهنده کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی است (Gordon and Richardson, 1997; Bruekner: 2000).

ارلک و همکاران (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان قوانین سازمانی و گسترش شهری: شواهدی از اروپا به بررسی سیاست‌های استفاده از زمین و مشوق‌های مالی محلی و تأثیر آنها بر گسترش فضای شهری پرداختند. نتایج نشان داد که تمرکززدایی و تقسیم‌بندی سیاسی محلی به طور قابل توجهی با ترویج شهری و رشد و گسترش پراکنده‌ی شهر ارتباط دارد. ابودو و همکاران (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی فضایی رشد پراکنده‌ی شهری در شهرداری آروا، اوگاندا با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی و ماتریس زنجیره مارکوف به پیش‌بینی تغییرات آینده در ترکیب شهر و بررسی رشد پراکنده‌ی آن پرداختند. نتایج نشان داد که شهرنشینی باعث ایجاد فرصت‌های اقتصادی و ظهور شهرک‌های غیر برنامه‌ریزی شهری و همچنین رشد و گسترش پراکنده‌ی شهری شده است.

در ایران نیز از زمانی که درآمدهای نفتی در اقتصاد عمومی کشور تزریق و همراه با ترغیب شهرگرایی، سرمایه‌گذاری در اراضی شهری به نحوی شتابان شدت گرفت، مبنای رشد شهرها، علیرغم گسترش برنامه‌های شهری، ماهیتی برونزا به خود گرفت (حبیبی، ۱۳۸۸: ۳۳) تداوم این روند، گسترش بی‌تناسب شهرها را به همراه داشته که افزون بر بروز پدیده‌های منفی شهری (حاشیه‌نشینی، فقر و بحران شهری)، بر چشم‌انداز و کالبد عرصه‌های روستایی پیرامونی نیز تأثیرات دامنه‌داری برجای گذارده است. بدین ترتیب تداوم روند بی‌رویه

شهرگرایی و رشد و گسترش افقی شهرها، به ناچار پدیده‌های خزش، خوردگی و ادغام (الحاق) شهری را به ارمغان آورده است که خود زمینه ساز نابودی و تغییر نامناسب کاربری‌های زمین، به ویژه در حوزه‌های پیرامونی، شده و می‌شود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴). رهنمایی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان دولت و شهرنشینی در ایران به نقش دولت و تحول آن در توسعه‌ی پرشتاب شهر و شهرنشینی در ایران می‌پردازد. نتایج نشان داد دولت با تجاری کردن پول و سرمایه در شهرها، از طریق نظام بانکی گسترده‌ای که در اختیار دارد، به توسعه شهر و شهرنشینی کمک می‌کند. سیف‌الدینی نیز پراکنده‌رویی را به معنای پخشایش کنترل نشده توسعه بر روی زمین روستایی یا زمین توسعه‌نیافته می‌داند که اغلب با تراکم‌های پایین و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی به کاربری‌های شهری همراه است (سیف‌الدینی، ۱۳۸۸: ۳۴۷). در ایران نیز بررسی اثرات الحاق شهری، خزش و پراکنده‌رویی به وفور بررسی شده است از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش افراخته و حجبی پور (۱۳۹۲)، جلالیان و همکاران (۱۳۹۲) سعیدی و همکاران (۱۳۹۲) اشاره نمود، سعیدی (۱۳۹۲)، نتیجه رشد شهری و الحاق روستاها به شهر را با پیامدهای متعددی نظیر افزایش جمعیت به واسطه ورود مهاجران روستایی و شهری و به دنبال آن پیدایش حاشیه‌نشینی، تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی و خدماتی، آلودگی و مسائل زیست‌محیطی در روستاها بر شمرده‌اند. افراخته و حجبی پور (۱۳۹۲)، خزش شهری فضای روستاهای پیرامونی را در خود حل نموده و اراضی روستایی نیز به کاربری مسکونی تبدیل شده است. همچنین منجر به تحول ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و خدماتی روستاهای پیرامون شده است. عمده تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که بیشتر این تحقیقات به صورت تک بعدی بوده و بیشتر مسائل مربوط به اثرات منفی زیست‌محیطی و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی را بررسی کرده‌اند و کمتر به بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن پرداخته‌اند و وجه تمایز این پژوهش این است که به دور از مسائل محیطی و کالبدی از جمله تغییر کاربری اراضی، آلودگی‌های محیطی و زیستی روستا، ایجاد تراکم و افزایش جمعیت به خصوص در ایام تعطیل به بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی ورود این مهاجرین به روستا از دیدگاه خود روستائیان می‌پردازد.

شهرها و روستاها به عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل‌دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه می‌باشند که دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند این کانون‌های سکونتگاهی در گذر تاریخ و به تبعیت از شرایط مکانی و زمانی آن ناحیه، شاهد دگرگونی اساسی در ساختار و کارکرد خود بوده‌اند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

یکی از تغییرات مهم در مناسبات این سکونتگاه‌ها، گسترش یا خزش شهرها به محدوده روستاهای پیرامون هست. با گسترش فضای شهری، میزان ناهنجاری‌های شهری در نواحی حاشیه‌ای افزایش می‌یابد. محیط اجتماعی و مسکونی، ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های شهری و رشد بی‌رویه و لجام گسیخته ناهنجاری‌ها و نیز گسترش ناامنی اجتماعی را در حاشیه فراهم می‌آورد (کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۷). در مطالعات گسترده‌ترین وفاق بر تأثیرات منفی پراکنده‌رویی متمرکز است (Muller and Hmlton, ۱۹۹۴). پیامدهای منفی پراکنده‌رویی عبارت‌اند از: تخریب محیط‌زیست، از بین رفتن اراضی زراعی، از بین رفتن

فضاهای باز، تشدید مسئله ترافیک، کاهش درآمد، افزایش هزینه‌های پنهان و از دست رفتن حس جمعی در روستاها است (Bengston et al, 2005).

در حقیقت توسعه شهری، در چند دهه معاصر از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. مطالعات نشان می‌دهد، آنچه تاکنون در بسیاری از کشورها و بیشتر در کشورهای در حال توسعه رخ داده است، رشد شهری است که با دو عامل افزایش جمعیت در حومه‌های شهری و گسترش کالبدی شهرها نمود یافته است (امان پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶). شکل‌یابی استقرار فضایی جمعیت با روند یاد شده در کشور معلول دو حالت اثرگذاری به شیوه منفرد و برهم کنش رشد طبیعی جمعیت شهری، واگرایی روستایی، مهاجرت‌های روستا شهری، مبدل شدن بسیاری از روستاها به شهر و در نهایت گسترش فیزیکی شهر و ادغام روستاهای پیرامونی بوده است. بخش زیادی از اراضی برای فروش به قیمت کاذب از حیطه کشاورزی خارج و به اراضی بایر تبدیل می‌شوند که آن را آیش اجتماعی زمین می‌نامند و علاوه بر آن جنگل و مراتع و دیگر منابع و چشم‌اندازهای طبیعی روستاهای پیرامون شهر در معرض تغییر و تحول به کاربری‌های مصنوعی قرار می‌گیرند (قادرمرزی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

در طول نیمه دوم قرن بیستم، مهاجرت به مرکز شهر وارونه شده و جمعیت به خارج از شهر و در داخل حومه‌ها سرازیر شده‌اند (Krieger, 1999: 16). اصطلاح خزش یا پراکندگی تا اواسط دهه ۱۹۴۰ جزئی از واژه‌نامه کاربری زمین بوده است. درحالی‌که از دهه ۱۹۷۰ بطور سنتی بعنوان پیشوند کلمه شهری، روستایی به واژه‌نامه کاربری زمین وارد شده است. خزش روستایی را می‌توان بعنوان مظهر جمعیتی در مکتب محافظه‌کارانه آمریکا از جنبش‌های اقتصادی و اجتماعی دهه ۱۹۶۰ دانست.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که همواره محققان در زمینه پراکنده‌رویی به آن اشاره می‌کنند، فقدان تعریف جامع و کامل از این پدیده است، به طوری که آنان مدعی‌اند که مفهوم این پدیده فاقد تعریف واحد و روشن است (Wilson et al., 2003; Johnson, 2001; Angel et al., 2007; Ashkenazi and Frankel, 2007: 101). بررسی تعاریف ارائه شده از سوی صاحب‌نظران، نشان می‌دهد که تعدادی از آن‌ها نظیر کلاسون، هاروی و کلارک، آرچر و اوتنسمان بیشتر بر ابعاد کالبدی تأکید دارند و آن را گسترش شهرها به صورت ساخت پراکنده، کم تراکم پیوسته، متفرق و تجاری خطی در امتداد محورهای دسترسی برون شهری می‌دانند (Clawson, 196۲; Harvey and Clark, 1965; Archer, 1973; Otensman, 1977). این طرز تلقی صرفاً کالبدی از پدیده، تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی حاکم بوده است ولی در ادامه و با طرح شدن پیامدهای زیست‌محیطی و حساسیت‌های عمومی به آن، افرادی چون اوینگ و گالستر و داونز، علاوه بر ابعاد کالبدی به پیامدهای زیست‌محیطی نیز تأکید می‌کنند و پراکنده‌رویی را نه الگویی برای گسترش شهری، بلکه الگویی می‌دانند که پیامدهای محیطی زیادی در پی دارد (Ewing, 1997; Downs, 2001).

هایوارد معتقد است هم‌اکنون مردم بیشتری استطاعت مالی برای زندگی در حومه دارند تا نسل‌های گذشته. با این ذهنیت، غیر واقعی است که انتظار داشته باشیم شهرها با تراکم قبلی خود رشد کنند همانگونه که طبقه میانی با

موفقیت و میزان بیشتری رشد می‌کند. علاوه بر این، همانگونه که مردم بیشتر و بیشتری به طبقه میانی بالاتر وارد می‌شوند تقاضا برای خانه‌های بزرگتر با حیاط‌های بزرگتر نیز افزایش می‌یابد حال با عنایت به نبود زمین فراوان در داخل بافت شهرها، تمایل به خروج از شهر و سکونت دوم در روستاهای نزدیک شهرها افزایش یافته است، هجوم طبقه متوسط رو به بالا به روستاهای نزدیک کلانشهرها و خرید زمین یا باغ‌های روستائیان برای ایجاد مکان استراحت (خانه‌های دوم) در جامعه مقصد دارای اثرات فراوان محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است. بر این اساس این پژوهش در پی بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی پدیده خزش شهری در جامعه مقصد (روستا) از دیدگاه روستائیان است و به دنبال واکاوی این اثرات در ذهن و ادراک ساکنان روستا است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از منظر ماهیت کاربردی و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی بوده است. رویکرد حاکم بر پژوهش، رهیافتی از روش کیفی است. بدین ترتیب به روش کیفی مصاحبه‌هایی در بررسی و ارزیابی اثرات خزش شهری و رشدشهرگرایی در روستای مهرآباد انجام پذیرفت و مقوله‌ها و ابعاد اثرات مورد شناسایی قرار گرفت. در روش کیفی اطلاعات مورد نیاز به منظور شناسایی مهم‌ترین پیامدها و تأثیرات پدیده خزش شهری در ابعاد محیطی، کالبدی - فضایی، اقتصادی و اجتماعی روستا به روش مصاحبه جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات به روش مصاحبه در گروه مسئولین و متخصصان آگاه به شرایط روستا تعداد ۸ مصاحبه به انجام رسید این مصاحبه‌ها با دهیار (۱ مصاحبه)، شورای اسلامی روستا (۲ مصاحبه)، کارمند شهرداری (۱ مصاحبه شهرداری بومهن)، افراد متخصص و صاحب نفوذ مقیم در روستا (۲ مصاحبه) و افراد تحصیل کرده و مقیم در تهران و دماوند (۲ مصاحبه) انجام پذیرفت. و در گروه روستائیان و سرپرست خانوارهای روستایی مقیم در روستای مهرآباد تعداد ۱۵ مصاحبه اختصاصی انجام پذیرفت.

جامعه آماری این پژوهش، گروه متخصصان و آگاهان در برگیرنده مسئولین اجرایی، مدیران و متخصصان توسعه روستایی آشنا به شرایط منطقه و روستائیان مقیم در روستا را در بر گرفت. افراد برای مصاحبه به روش گلوله برفی شناسایی شدند، و فرآیند تجزیه و تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی به انجام پذیرفت پس از انجام این سه مرحله کدگذاری، نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با ارجاع به مصاحبه صورت پذیرفت.

روستای مهرآباد از توابع دهستان مهرآباد، بخش رودهن، شهرستان دماوند استان تهران است. مسیر ارتباطی این روستا از جاده اصلی تهران-دماوند منشعب می‌شود. روستاهای نوده و خورین در جنوب این روستا توسط مسیر ارتباطی این روستا با محور اصلی تهران-دماوند اتصال برقرار می‌کنند. این روستا در جنوب جاده ارتباطی اصلی تهران-دماوند قرار دارد. مهرآباد در غرب شهر دماوند و در فاصله کمتر از ۳۰ کیلومتری از آن واقع شده و خارج از حریم شهرداری این شهر قرار دارد. براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، جمعیت آن ۱۵۹۲ نفر (۴۱۲ خانوار) بوده است. در سال ۱۳۹۵ جمعیت برابر با ۳۲۷۸ نفر و ۶۱۲ خانوار بوده است با گذر زمان و گسترش فضای این روستا و افزایش جمعیت از طریق مهاجرت، ویلاسازی و توجه شهرنشینان به باغات روستا و احداث بیش از چهار هزار ۵۰۰ واحد مسکن مهر در این منطقه، (در زمان برداشت میدانی هنوز مسکن مهر به طور کامل تحویل نشده بود)

فعالیت کشاورزی تا حدودی رونق خود را از دست داده ولی با این حال هستند مردمانی که همچنان به کشاورزی و دامداری و باغداری فعالیت دارند.

یافته‌های تحقیق

تعداد ۲۳ مصاحبه در ارتباط با ارزیابی و اثرگذاری پدیده خزش شهری بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستای مهرآباد انجام شد. سپس مصاحبه‌های به روش تئوری بنیادی، در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، لازم به ذکر است مصاحبه‌ها تا تحقق اشباع نظری به صورت نیمه ساختاریافته ادامه پیدا کرد. در ادامه ضمن پرهیز از اطاله کلام نتایج در مراحل کدگذاری (انتخابی و محوری) به صورت جدولی نشان داده می‌شود.

جدول ۱. مقوله‌ها در مرحله کدگذاری انتخابی

مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله اصلی
کاهش تمایل به شغل کشاورزی، کاهش تمایل به شغل دامداری، افزایش تجمل گرایی، رواج فرهنگ مصرف گرایی، تغییر سبک زندگی، تمایل به کاهش فرزندآوری،	تغییر ارزش‌های اجتماعی	دگردیسی و نارسایی اجتماعی (فرهنگی)
کاهش روحیه مشارکت، کاهش همکاری و همیاری مردم با یکدیگر، تغییر همگنی روستا، کاهش اعتماد مردم به یکدیگر، افزایش درگیری و نزاع، تفاوت سطح اجتماعی مردم، کاهش همدلی و همیاری،	کاهش سرمایه اجتماعی	
کاهش دلبستگی به کشاورزی، افزایش فعالیت‌های خدماتی، رواج اشتغال کاذب، فروش زمین، ترجیح روستائیان به زندگی در شهر، اعتقاد به تجمل گرایی، مصرف گرایی	تغییر نگرش	
افزایش نزاع و درگیری، افزایش اعتیاد، رواج ماهواره، افزایش جرم‌های فردی، احساس فقر، افزایش استفاده از مشروبات الکلی	افزایش ناهنجاری	
افزایش نابرابری، ایجاد فاصله طبقاتی، افزایش احساس فقر	افزایش نابرابری اجتماعی	
کاهش دامداری و کشاورزی، گرایش به خرید کالاهای لوکس، کاهش فرهنگ تولیدی، افزایش میل به اوقات فراغت، تغییر ساختار جمعیت، کاهش صمیمیت، کاهش ارتباطات فامیلی	غلبه فرهنگ شهرگرایی	
افزایش بیکاری، کاهش سطح فعالیت کشاورزی، کاهش اشتغال زنان، عدم تمایل جوانان به اشتغال اجدادی، عدم امکان فعالیت دامداری در داخل بافت روستا، گرایش با ساخت زمین‌های کشاورزی، افزایش شغل‌های کاذب، بنگاه‌داری، افزایش فعالیت‌های خدماتی	عدم تعادل در اشتغال	دگردیسی و نارسایی اقتصادی
کاهش توان تامین هزینه‌های خانوار، ترویج فرهنگ مصرف گرایی، کاهش قدرت خرید، عدم کفایت قیمت محصولات کشاورزی نسبت به هزینه‌ها، تورم	افزایش هزینه‌ها	
کاهش درآمد، افزایش هزینه‌ها و کاهش پس‌انداز، ترویج مصرف گرایی، تخریب اراضی به ویلاسازی و کاهش درآمد، نابودی دامداری	کاهش درآمد و پس‌انداز	
ویلاسازی، افزایش ارزش اقتصادی زمین، تمایل شهرنشینان به خرید زمین‌های روستا، افزایش کاربری‌های تجاری و مسکونی، فروش زمین‌های زراعی و باغی، افزایش بورس بازی زمین	افزایش ارزش اقتصادی زمین	
آشفتگی منظر روستا، تغییر منظر و سیمای روستا به شهر، تغییر کاربری اراضی کشاورزی، تخریب اراضی طبیعی، افزایش باغات، شهرزدگی، رشد بی‌قواره	تغییر در چشم‌انداز	دگردیسی و نارسایی محیطی

مفاهیم	مقوله ها	مقوله اصلی
افزایش پسماند، افزایش نخاله ساختمانی در روستا، افزایش مشاغل مزاحم، افزایش ضعف‌های سیستم‌های دفع فاضلاب، افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش آلودگی صوتی، افزایش تردد و آلودگی محیطی	افزایش آلودگی	
افزایش ساخت و ساز، نابودی مراتع، رشد ساخت و ساز در مراتع، ایجاد مسکن مهر، کاهش مراتع سبز، کاهش منابع آب	تخریب منابع طبیعی	
افزایش بورس بازی زمین، نگاه درآمدا به زمین و ساخت و ساز، چالش قوانین و مقررات متناقض، به روز نشدن طرح هادی روستا، عدم اجرای طرح و برنامه مشخص جهت مدیریت و ساماندهی اراضی، افزایش تعداد و تراکم جمعیت، افزایش میزان کاربری مسکونی، ساخت و ساز شبانه و بی ضابطه، قانون گریزی	ضعف ساماندهی کالبدی	دگردیسی و نارسایی کلیدی- فضایی
افزایش ساخت و سازهای غیرقانونی، عدم برخورد قاطع در تخلفات ساختمانی، عدم نظارت صحیح بر ساخت و سازها، ساخت و ساز مخفی و شبانه، عدم اجرای قوانین، نداشتن طرح و برنامه جامع، ضعف در مدیریت روستا	ضعف در نظارت بر ساخت و ساز	
بورس بازی زمین، نوسازی مسکن، افزایش ارزش اقتصادی زمین‌های روستا (کشاورزی و مسکونی)، نگاه اقتصادی به زمین و مسکن	افزایش ارزش اقتصادی زمین و مسکن	
بهبود دسترسی‌ها، افزایش خدمات روستا، بهبود راه، مناسب سازی آب آشامیدنی، بهبود خطوط ارتباطی تلفن و اینترنت، افزایش امکانات، افزایش ایمنی، افزایش دسترسی به حمل و نقل عمومی	افزایش خدمات زیرساختی	
نوسازی و بهسازی خانه‌ها، افزایش امکانات و تسهیلات واحد مسکونی (حمام و آشپزخانه و...)، افزایش مساحت سرانه زیر بنای مسکونی، افزایش واحدهای مسکونی ساخته شده با بتن و مقاومسازی شده، افزایش رضایت از وضعیت مسکن	افزایش کیفیت مکانی - فضایی	

دگردیسی و نارسایی اجتماعی

با گسترده شدن اجتماع روستایی در مهرآباد و ورود شهرنشینان با سبک و سیاق متفاوت به شهر و رواج آداب و رسوم شهری در روستا، به نوعی یک نوع ناهمگونی در جامعه روستایی به وجود آمده است و بسیاری از ارزش‌های روستای مهرآباد به فراموشی سپرده شده و رو به نابودی گذاشته است، ارزش‌هایی همانند وفاداری به میراث گذشتگان، احترام به زمین و آب، دوری از اسراف، خوداتکا و تولیدی بودن، صمیمیت و همدلی و... به فراموشی سپرده شد و فرهنگ شهری در روستا ر سوخ پیدا کرده است در این فرایند ارزش‌ها و نگرش‌های روستائیان تغییر کرده و به نوعی در مدرن‌سیم شهری حل شده و سرمایه اجتماعی روستا کمرنگ گردیده دیگر جوانان نسل دوم و سوم تمایلی به شغل کشاورزی و دامداری نداشته و شغل‌های خدماتی و حتی کاذب را درآمدا دانسته و با فروش زمین ابا و اجدادی به سمت اینگونه شغل‌ها حرکت می‌نمایند، با رواج فرهنگ شبه شهری، تجمل‌گرایی افزایش یافته و حتی این موضوع در سبک زندگی نیز تأثیر گذاشته است و خانوارهای جدید به تک فرزندی و دو فرزندی منجر شده است.

از سوی دیگر مشارکت، همیاری، همدلی در روستا کاهش پیدا کرده و بسیاری از امور روستا که قبلاً به صورت مشارکتی انجام شده است اکنون جزو وظایف شورا و دهیاری دانسته می‌شود و اهالی مشارکتی در عمران و آبادانی روستا ندارند. تغییر ارزش‌های و کاهش سرمایه اجتماعی منجر به افزایش ناهنجاری و رواج خشونت و دزدی شده،

در حال حاضر رسوخ ماهواره و سبک زندگی حتی غربی در روستا باعث مشکلات زیادی در بین خانوارهای روستایی گردیده است از جمله در پایان هفته‌ها بسیاری از تازه واردان با برپایی مراسم‌های جشن و دورهمی، مزاحمت‌هایی را برای ساکنان اصیل روستا ایجاد کرده و این امر در تغییر روحیه و منش جوانان تأثیرگذار بوده است. این موارد همگی به افزایش نابرابری‌ها در روستا منجر شده است.

... پول‌دارها از تهران آمده‌اند اینجا ویلاسازی کرده، باغ خریده‌اند، آنها مراسمات تولد و عروسی خود را در این باغ‌ها برگزار می‌کنند، فرهنگ آن‌ها با فرهنگ ما تناسب ندارد، کارها و مراسمات آنها با مراسمات ما متفاوت است، این موارد باعث شده جوانان ما تحت تأثیر قرار بگیرند، اثر این کارها را نمی‌شود با عدد و رقم بیان کرد. در یک کلام این‌ها باعث رواج فساد و ناهنجاری در روستا شده است...

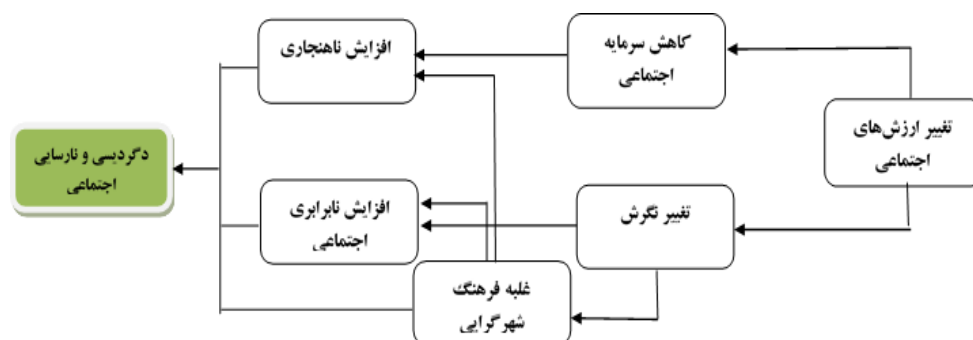
از سوی دیگر با فروش زمین در روستا و افزایش رشد مقطعی سرمایه و افزایش مناسبات اجتماعی آنان با شهرنشینان و رسومات شهری سبب شده تا برخی عادات و مراسمات اجتماعی - فرهنگی روستائیان هم چون شیوه همسریابی، شیوه برگزاری مراسم عروسی و حتی عزاداری‌ها به سوی همسانی با الگوی‌های موجود در شهر تهران و دماوند پیش رود.

از خصایص فرهنگی روستائیان که دارای نمودهای اجتماعی متعددی در حوزه‌های مختلف زندگی آنان بوده، مشارکت است. همکاری و مشارکت درون گروهی در کشور ما هم دارای ریشه اعتقادی و هم مادی و اقتصادی است. مطالعات میدانی در روستای مهرآباد حاکی از آن است که به دنبال افزایش درآمد خانوارها تا حدودی مشارکت، وفاق و همدلی میان آنان تنزل یافته است. در واقع برخی از اهالی به سبب برتری مالی که در نتیجه برخورداری از زمین بیشتر بوده، توجه‌شان به دیگران کمتر شده و همچنین به مرور از میزان بخشش و از خودگذشتگی آنها نیز کاهش داشته است.

...ببینید در گذشته وقتی در روستا خرابی یا مشکلی بود همه دست در دست هم در دست می‌کردند، الان چی، جوانان و روستائیان می‌خواهند عین شهری‌ها باشند، مثلاً یک مشکلی در روستا است می‌گویید بیاید دست کنیم جواب می‌دهند پس دهیاری چه کار می‌کند، وظیفه ما نیست، شورا داریم، دهیار داریم. برخی هم زمین کشاورزی خود را فروخته، در شهر خانه‌ای خریدند و فقط ایام تعطیل به روستا می‌آیند آنها دیگر خود را روستایی نمی‌دانند برای روستا دلسوزی نمی‌کنند، شهری شده‌اند...

کاهش روحیه تلاش و سخت کوشی در میان روستائیان به منظور کسب روزی حلال و در عوض جایگزینی فرهنگ کسب پردرآمد با حداقل کار، بروز تنش‌ها و مجادلات درون خانواری به سبب افزایش تقاضای تهیه وسایلی از سوی اعضای خانوار که بعضاً متناسب با شرایط و ساختار زندگی خانواده نبوده (مانند اتومبیل‌های لوکس و گران‌قیمت و وسایل تجملی) و همچنین رواج چشم و هم چشمی در میان روستائیان نسبت به گذشته از دیگر پیامدهای فرهنگی رشد شهرگرایی، افزایش تقاضا برای خرید زمین‌های روستایی و افزایش قیمت زمین‌های تحت اختیار روستائیان است. بنابراین با پدیده خزش شهری به روستاهای مهرآباد، ارزش‌های اجتماعی روستا تغییر کرده

است و این امر به کاهش سرمایه اجتماعی در روستا منجر شده است و نگرش روستایی بر این اساس تغییر یافته است. با غلبه فرهنگ شهرنشینی و رسوخ جامعه‌ای نسبتاً مرفح در روستا، نابرابری‌های اجتماعی تشدید شده است و احساس فقر در بین مردم روستا به شدت نمایان شده است، این موضوع به افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی انجامیده است و در روستا نزاع و کشمکش نسبت به قبل شدت یافته است، و وقوع پدیده بزه و ناهنجاری و نابرابری اجتماعی به نوعی به دگردیسی و نارسایی اجتماعی در کل روستا منجر شده است. مدل زمینه‌ای زیر وقوع اثرات اجتماعی پدیده خزش شهری را در روستای مهرآباد نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل زمینه‌ای تأثیرات اجتماعی خزش شهری در روستای مهرآباد

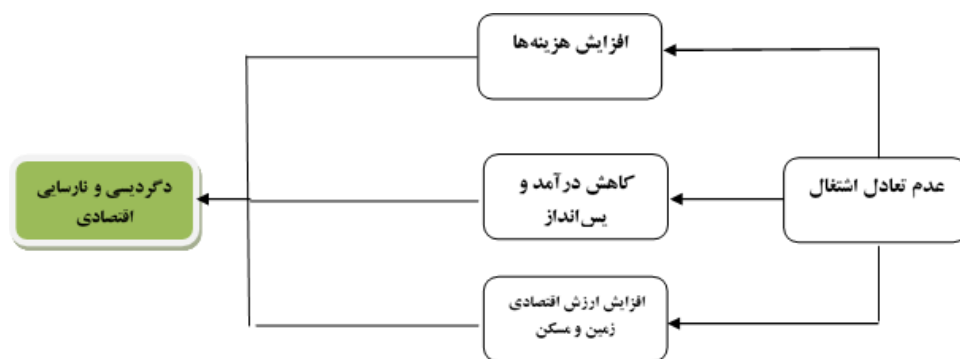
دگردیسی و نارسایی اقتصادی

در روستای مهرآباد بر اثر هجوم شهرنشینان برای ایجاد خانه‌های دوم و داشتن باغ و مکان تفریحی دست‌اندازی به زمین‌های زراعی و کشاورزی شدت یافته است، با افزایش تقاضا برای زمین و کاهش جاذبه‌های فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در طی چند سال اخیر و با افزایش قیمت زمین، فروش قطعات زمین کشاورزی و باغی در روستا شدت گرفته است. بخش زیادی از روستائیان و مالکین اولیه به دنبال منفعت طلبی و سوق دادن برخی از افراد بیرونی اقدام به فروش اراضی خود کرده‌اند، در این وضع برخی روستائیان با فروش زمین، سود زیاد و سرمایه قابل توجهی به دست آورده که این امر باعث گرایش آن‌ها به زندگی شبه شهری و یا حتی مهاجرت به شهر شده است این روستائیان با کنار نهادن شغل کشاورزی و دامداری، گرایش به زندگی لوکس شهری پیدا کرده‌اند و مصرف گرایی در این گروه زیاد شده است. عده‌ای از اهالی روستا و جامعه روستایی مهرآباد با کنار نهادن شغل کشاورزی خود به امور خدماتی، دلالی و بورس بازی زمین روی آورده‌اند شاهد این امر وجود ۵ بنگاه املاک در روستا است که همگی آن‌ها در ۱۰ سال اخیر به وجود آمده‌اند. با عنایت به تعطیل شدن شغل کشاورزی و دامداری در روستا هم اکنون روستائیان به نوعی وابسته به تولیدات شهری شده و خانوارهایی که قبلاً عرضه کننده گوشت، شیر و نان و... بوده‌اند اکنون احتیاجات روزمره خود را از شهرها و سوپرمارکت‌ها تهیه می‌کنند. هم اکنون در این روستا از جنبه اجتماعی و فرهنگی شغل‌هایی نظیر کشاورزی و دامداری دارای بار منفی و نگرش منفی هستند بنحوی که در مصاحبه‌ها به کرات به این موارد اشاره می‌شد:

قبلاً در این روستا هر خانوار تعدادی دام و طیور داشت خودش غذای خودش را تولید می کرد، تخم مرغ حتی به شهرها فروخته می شد، اکنون دیگر کمتر کسی رغبت به دامداری و کشاورزی نشان می دهد، همه مواد باید از مغازه خریده شود، حتی در روستا نانوايي ایجاد شده است.

رواج فرهنگ مصرف گرایی، لوکس گرایی و تغییر سبک زندگی باعث افزایش هزینه های زندگی خانوارهای روستایی شده است به نحوی که هم اکنون و سلیه نقیله جزو و سایل مورد نیاز همه در روستا شده و با تغییر سبک معماری و خانه سازی به سبک شهری و وجود آشپزخانه های اپن (open) باعث شکل گیری نوع جدیدی از زندگی به سبک شهری با انواع لوازم مصرفی شده است.

زندگی مصرف گرایی از یک سو و تعطیلی اشتغال درآمدزای کشاورزی و دامداری در بین خانوارهای روستا باعث کاهش درآمد و پس انداز آنها گردیده است. بنابراین اشتغال و تولید که مهم ترین رکن اقتصادی هر جامعه روستایی است و اشتغال روستایی که بر مبنای کشاورزی و دامداری استوار است وقتی به نابودی کشیده شود و فرهنگ مصرف گرایی بر فرهنگ تولیدی غالب شود اقتصاد روستا به نوعی دچار دگردیسی و نارسایی خواهد شد و این امر بر تمامی شئون زندگی خانوارها تأثیر گذار خواهد بود. مدل زمینه ای زیر روابط اقتصادی روستای مهرآباد را در روند خزش شهری نشان می دهد.



شکل ۲. مدل زمینه ای تأثیرات اقتصادی خزش شهری در روستای مهرآباد

دگردیسی و نارسایی محیطی

روستاها نقش مهمی در صیانت از ارزش های محیطی و فرهنگ اقوام و دانش بومی دارند در این میان قابلیت های محیط طبیعی و به ویژه چگونگی پرداخت منظر روستایی با تکیه بر عناصر طبیعی دارای اهمیت است بر همین اساس روستاها در طول تاریخ با تکیه بر قابلیت های محیطی و سازگاری با محیط پویایی خود را حفظ نموده اند. بررسی و شناخت فرایندها و مکانیسم های حاکم بر محیط طبیعی روستا و عوامل ساختار آن (که هر مورد ویژگی هایی خاص و منحصر به فرد خود را دارد)، مخصوصاً درک ماهیت روابط میان اجزای محیط می تواند رهیافت مناسبی از چگونگی سازو کار چنین نظام های پیچیده را فراهم آورد. با عنایت به نگرش سیستمی در نظام های جغرافیایی، تغییر در یک جزء تغییر در سایر اجزا را به همراه دارد، بنابراین چنانچه محیط که بستر و هاستگاه ایجاد روستاها است دستخوش تحول شود سایر اجزا سیستم روستا نیز متحول شده و کل نظام متحول می گردد.

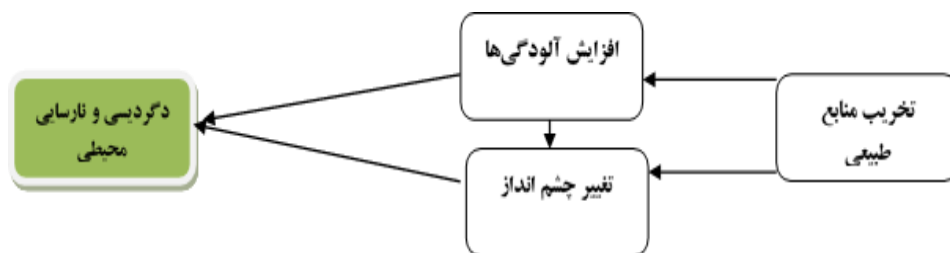
بر اثر خزش شهری در روستای مهرآباد، تحولات عمیقی در بستر محیط طبیعی رخ داده است که مهم‌ترین آنها تخریب منابع طبیعی روستا است، بیشتر خانوارهای روستایی از مناظر و چشم‌اندازهای گذشته روستا و طبیعت سرسبز و مراتع بیشمار آن یاد می‌نمودند و چهره فعلی را بسیار متفاوت از گذشته بیان می‌نمودند، یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص بیان می‌دارد:

... مهرآباد گذشته این نبود، همه جا باغ بود، همه جا مرتع بود، گل و گیاه داشت، گوسفندان در مراتع از صبح تا شب چرا می‌کردند، اما ماشین همه چیز را خراب کرد، آلوده کرد، ساخت و ساز مرتع را نابود کرد...

منابع طبیعی روستا اعم از منابع آب و خاک در حال حاضر بسیار کاسته شده است و زمین برای دامداری و کشاورزی کمتر یافت می‌شود و بیشتر زمین‌ها به ساخت و ساز اختصاص یافته است، از سوی دیگر جانمایی و ساخت مسکن مهر در نزدیکی روستا باعث تخریب مراتع نزدیک به روستا شده است و به طبع آن افزایش تردد و ساخت دسترسی‌ها به نابودی مناظر طبیعی انجامیده است. نتیجه این تخریب و افزایش ساخت و ساز و تردد، افزایش آلودگی-های محیطی است که به کرات توسط مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره می‌شود. در نتیجه رونق ساخت و ساز و افزایش تردها، آلودگی صوتی و آلودگی هوا افزایش یافته است و هوای تمیز روستا تبدیل به هوایی آلوده شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

... فقط خودت آدم شهری که به روستا نمی‌آید، او می‌آید همراه او ماشینش می‌آید، صدای ماشینش می‌آید آلودگی ماشینش می‌آید، زباله خانه‌اش است، فاضلابش است و هزار آلودگی دیگر همراه دارد، روستا نیاز به این همه خانه و ویلا ندارد، نیاز به این همه ماشین ندارد، قبالا کجا این‌ها در روستا بود...

چشم‌انداز روستایی، بخش مهمی از سازمان فضایی نواحی جغرافیایی به شمار می‌رود که کارکرد اصلی آن از دیرباز تأمین غذای مردم جهان و تولید برخی مواد اولیه بوده است. امروز با رشد شتابان جمعیت به ویژه در شهرها و افزایش هجوم آن‌ها به چشم‌انداز روستاها، این مناطق بکر و زیبا دستخوش تحول شده است در روستای مهرآباد در اثر تخریب منابع طبیعی روستا و همچنین افزایش آلودگی‌های محیطی، چشم‌انداز و مناظر روستا دگرگون شده است و چشم‌اندازی آشفته و شبه شهری به دست آورده است. اراضی کشاورزی و باغی تبدیل به ویلاهای لوکس شهری شده است و رشد بی‌قواره و گسسته ویلاها در باغات و اراضی روستا چشم‌اندازی پراکنده و ناهمگون را ایجاد کرده است. مدل زمینه‌ای زیر نوع روابط و اثرگذاری مؤلفه‌های محیطی را در دگرگونی و نارسایی‌های محیطی در روستای مهرآباد نشان می‌دهد.



شکل ۳. مدل زمینه‌ای تأثیرات محیطی خزش شهری در روستای مهرآباد

دگرذیسی و نارسایی کالبدی - فضایی

خصوصیت کالبدی- فضایی سکونتگاه‌ها حاصل تعامل متقابل عوامل و نیروهای گوناگون محیطی- اکولوژیک و اجتماعی- اقتصادی است. در این فرایند تعاملی و بر طبق قانون‌مندی‌های نظریه «پویش ساختاری- کارکردی»، نه تنها عوامل و نیروهای درونی، بلکه عوامل و نیروهای برونی هم هر یک نقشی (هم افزا) برعهده دارند. دامنه پویش این مجموعه، تعیین کننده تحرک یا ایستایی روند تحولی سکونتگاه به شمار می‌آید. بدین سان، عرصه تحولی محیط و فضای سکونتگاه‌های انسانی به گستره طبیعی روابط درونی و بیرونی آن‌ها باز می‌گردد. در این بین، گاهی دخالت‌های بیرونی، چه مبتنی بر برنامه‌های معین و چه به صورت خودبه خودی یا خودجوش، زمینه‌ساز تحول مطلوب یا حتی دگرذیسی نامطلوب سکونتگاه‌ها می‌گردند. براین اساس، سکونتگاه‌های روستایی در تعامل دو سویه خود با کانون‌های شهری، نه تنها از این کانون‌ها تأثیر می‌پذیرند، بلکه بر شکل کالبدی و روابط فضایی آن‌ها اثر می‌گذارند (سعیدی و ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۴).

در روستای مهرآباد در اثر پراکنده‌رویی شهری، تغییرات گسترده کالبدی - فضایی در ناحیه روستایی رخ داده است، در اثر رخنه و ورود شهر و مظاهر شهری به روستا دو نوع تغییر مثبت و منفی از نگاه روستاییان قابل شناسایی است. اثرات مثبت کالبدی - فضایی همچون، افزایش زیرساخت‌ها در روستا و افزایش کیفیت مکانی و فضایی کالبد روستا باعث افزایش انگیزه‌های ماندگاری در روستا شده است اما از سوی دیگر ضعف در نظارت بر ساخت و ساز در روستا باعث ضعف ساماندهی کالبدی روستا شده است هرچند افزایش اقبال به روستا و افزایش ساخت و سازها به افزایش ارزش اقتصادی زمین و مسکن مواجه شده است. در اثر نظارت‌های ضعیف و بخصوص اعمال فشار و قانون‌گریزی بورس بازی زمین افزایش پیدا کرده است و نگاه اقتصادی نه از نوع نگاه تولیدی بلکه نگاه ارزش‌افزین مادی باعث افزایش قیمت زمین و ملک در روستا شده است و این امر منجر به عدول از مرزهای طرح هادی روستا و حریم مشخص شده روستا شده است. یکی از روستائیان در این خصوص بیان می‌دارد:

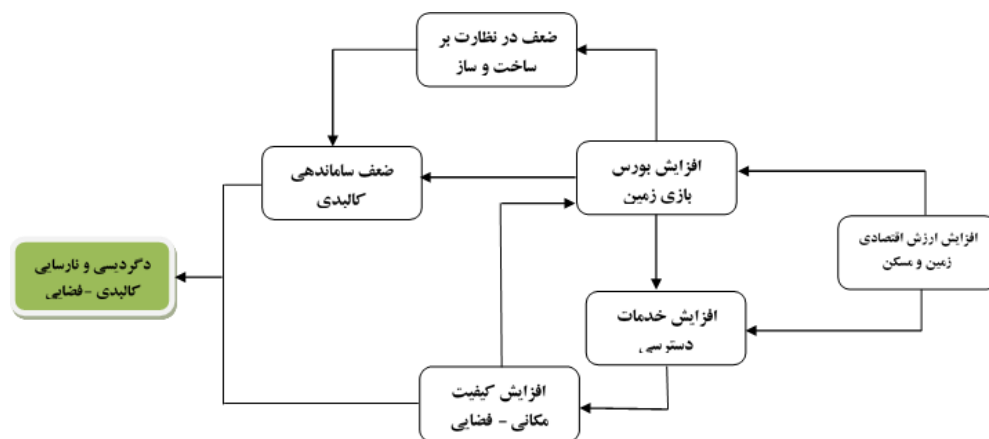
... قبلاً در روستا ویلا نبود، قبلاً در روستا بنگاه املاک نبود، شما همین راسته خیابان اصلی روستا را نگاه کنید، ۱۰ تا ۲۰ بنگاه املاک می‌بینید، مگر اینجا شهر است، چرا اینقدر املاک زیاد شده است، خوب مشخص است، خرید فروش می‌شود، زمین را می‌خرند، قیمت بالاتر می‌فروشند، این‌ها باعث شده است روستایی زمین کشاورزی خود را بخاطر پول بفروشد..

ساخت و ساز غیر مجاز در روستا در چند سال اخیر شدت یافته است به گونه‌ای که قانون‌گریزی در روستا رواج یافته است و بدون اطلاع دهیاری و یا اخذ مجوز شبانه در درون باغات اقدام به ویلا سازی و تخریب باغ می‌شود، این امر به شدت بر افزایش میزان کاربری‌های مسکونی نسبت به کاربری‌های کشاورزی و باغداری افزوده است. مصاحبه‌شونده در این خصوص بیان می‌دارد:

... چهارشنبه نگاه می‌کنی هیچ ساختمانی نیست، در روزهای تعطیل و شبانه مصالح می‌آورند و شبانه درست می‌کنند، شنبه که می‌رسد می‌بینی یک ساختمان اضافه شده

است، یک ویلا ساخته شده است، چه کسی می‌تواند شبانه بسازد، این‌ها همان شهرنشینی هستند که قدرت دارند...

اما در کنار دگرگونی در ساختار کالبدی - فضایی روستا، برخی مزایای افزایش شهرگرایی و پراکنده‌رویی شهری در روستا از نگاه روستائیان نیز قابل اشاره است، مزایایی چون افزایش امکانات روستا، افزایش تعداد مغازه‌ها و تعداد سرویس‌های خدمات‌دهی، آسفالت جاده روستا، افزایش ضریب نفوذپذیری اینترنت و موبایل، بهبود دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی و ... است که از این حیث روستا به منفعت رسیده است. بر همین اساس مدل زمینه‌ای زیر برای تحولات کالبدی - فضایی ناشی از پراکنده‌رویی شهری در روستای مهرآباد به دست می‌آید:



شکل ۴. مدل زمینه‌ای تأثیرات کالبدی - فضایی خزش شهری در روستای مهرآباد

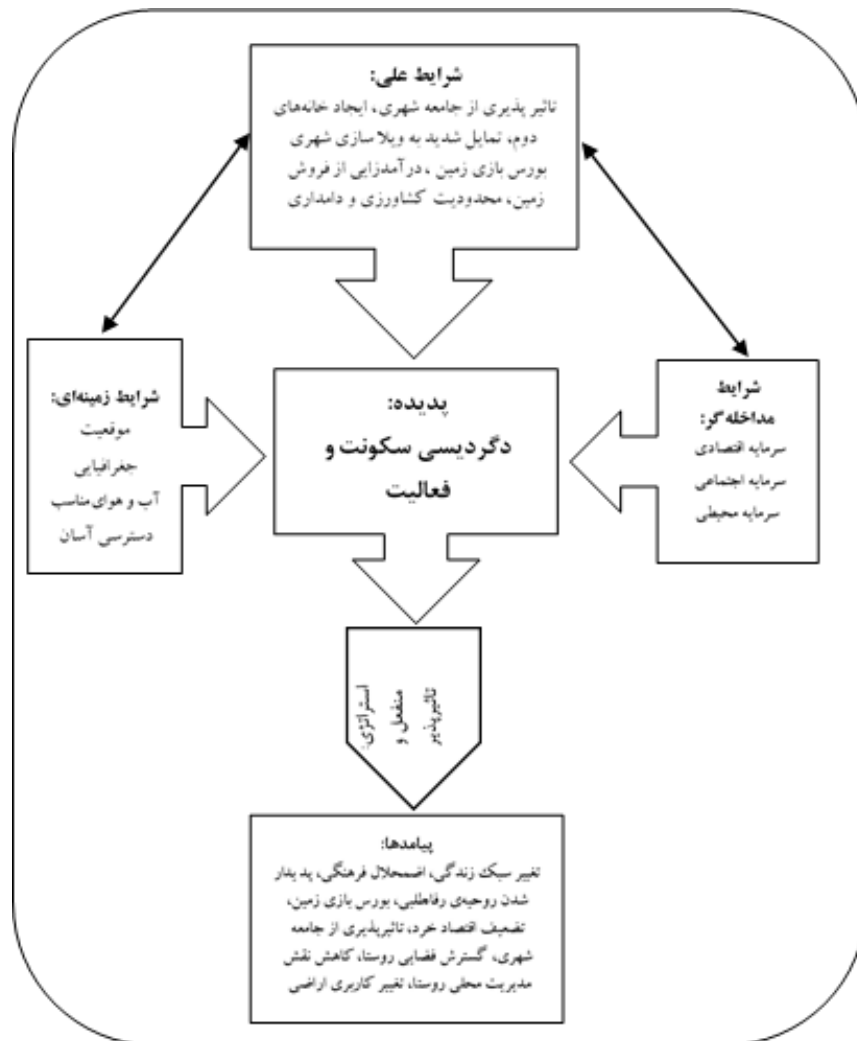
نتیجه‌گیری

در واقع تغییرات محیطی - اکولوژیکی و تغییرات اجتماعی - اقتصادی در دوره‌های مختلف بصورت دگرگونی در ساختارها و کارکردهای نواحی روستایی تجلی یافته است. تغییرات کارکردها و ساختارهای فضایی سکونتگاه‌های روستایی، باعث گسست در بین فضاهای زیست، فعالیت و عدم یکپارچگی فضایی شده است. این پیامدها هر یک به نحوی بر سکونتگاه‌های نواحی روستایی تأثیر گذاشته است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸).

این پژوهش به بررسی و ارزیابی تأثیرات پدیده شهرگرایی و خزش شهری به صورت رسمی و یا غیررسمی در روستای مهرآباد پرداخته است، مهم‌ترین هدف پژوهش ارزیابی اثرات اجتماعی و اقتصادی، کالبدی و محیطی این پدیده بوده است به همین منظور سوال اصلی پژوهش این بوده که هجوم شهرنشینان به روستا و ویلاسازی‌ها، چه اثراتی را در روستای مهرآباد در برداشته است؟ و روستائیان چگونه این اثرات را ادراک می‌نمایند؟

به منظور پاسخگویی به سوال پژوهش از روش کیفی بهره گرفته شد و تعداد ۲۳ مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام یافت و به روش گراندد تئوری و با کدگذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مدل زمینه‌ای هر یک از ابعاد با توجه به مفاهیم، مولفه‌ها و مقوله‌های به دست آمده ترسیم گردید. همانگونه که بیان گردید روستاها بعنوان یک نظام مکانی - فضایی دائماً در حال تغییر و تحول هستند. این تغییرات تحت تأثیر نیروها و روندهای بیرونی و همچنین نیروها و روندهای درونی ناشی می‌شوند موضوع کلی این پژوهش نیز بررسی تحولات سکونتگاه‌های روستایی در

روستای مهرآباد در اثر روندهای بیرونی است بررسی‌ها نشان داد که در اثر تحولات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین شهر با روستا، تغییرات مختلف در عرصه‌های گوناگون ایجاد شده است از جمله این تغییرات، تغییر ساختار جمعیتی (مهاجرت و ...) و تغییرات ساختار کارکردی و اقتصادی (متزلزل شدن اساس و بنیاد تولید کشاورزی و گسترش فعالیت‌های حاشیه‌ای و غیرتولیدی و ...) است. پژوهش حاضر این تحولات را از دیدگاه رو ستائیان مورد بررسی قرار داده است آنچه در اثر تحولات مذکور رخ داده است با توجه به روش گراندد تئوری و بررسی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در مدل زیر قابل ترسیم است.



شکل ۵. مدل نهایی زمینه‌ای درک پیامدهای تحولات خزش شهری در روستای مهرآباد

بر اساس مدل نهایی مقاله دگردیسی در شیوه سکونت و فعالیت مردم روستا رخ داده است این دگردیسی بر اساس مدل نظریه مبنایی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر مشخص گردید تمامی این شرایط در یک بستری بنام روستای مهرآباد و با توجه به موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به شهر با دارا بودن آب و هوای مناسب و دسترسی آسان در دوره زمانی اثرگذار بوده است. بنابراین مردم روستا در مقابل این تحولات استراتژی انفعالی و تأثیر پذیر را انتخاب کرده‌اند و به دلیل درآمدزایی از طریق فروش زمین و دروی از فعالیت آبا و اجدادی (در نسل دوم و سوم) و

به نوعی مدرن شدنی که تحت تأثیر شهرگرایی رخ داده است بسیاری از خانوارهای روستایی در برابر تحولات به وجود آمده منفعل بوده و به نوعی با پذیرش شرایط، خود را مطابق زمان نموده‌اند. در نهایت پیامد شرایط به وجود آمده برای خانوارهای روستایی بصورت، تغییر سبک زندگی، اضمحلال فرهنگی، پدیدار شدن روحیه رفاه‌طلبی، بورس بازی زمین، تضعیف اقتصاد خرد، تأثیرپذیری از جامعه شهری، گسترش فضایی روستا، کاهش نقش مدیریت محلی روستا، تغییر کاربری اراضی مشاهده گردید. بررسی اثرات پراکنده‌رویی شهری در روستای مهرآباد همچنین نشان داد که در مرحله اول شاهد تغییر شدید کاربری اراضی زراعی، مرتعی و باغی روستا هستیم، بطوری که توسعه فیزیکی به عنوان یک عامل بیرونی، دگرگونی‌هایی را برای ساکنان روستا در چهار بعد محیطی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی - فضایی به همراه داشته است، در عرصه محیطی ضمن کاهش تولید محصولات کشاورزی و کاهش زمین‌های کشاورزی، کاهش مراتع روستا و کاهش دامداری را هم به همراه داشته است این مسأله با رخ نمود ویلا سازی، مسکن مهر و افزایش فضای کالبدی در روستا رخ داده است. از بعد کالبدی، محورهای ارتباطی روستا از نظر عملکردی و پیوند به شهر توسعه یافته است و به عنوان عاملی در جذب فعالیت و جمعیت بیشتر به روستا نقش مؤثر ایفا کرده است. در این راستا افزایش تعداد ساخت و ساز مسکونی بدون مجوز را به دنبال داشته است.

در ارزیابی مقایسه نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان این‌گونه بیان کرد که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های سعیدی و همکاران (۱۳۹۲)، افراخته و حجی‌پور (۱۳۹۲)، جلالیان و همکاران (۱۳۹۲) همسو و هم جهت بوده و خزش شهری در محدوده مورد مطالعه نارسایی‌هایی را در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی - مدیریتی) به دنبال داشته است و با نتایج پژوهش وارثی و همکاران (۱۳۹۱) در تناقض است چرا که خزش شهری طی ۱۰ سال گذشته ۱۳۸۵-۱۳۹۵ شدت بیشتری یافته است در محدوده مورد مطالعه، نه تنها اثرات خزش و تعداد آن کمتر نشده بلکه تغییر کاربری اراضی مربوط به خزش شهری بیشتر نیز شده است.

منابع

- افراخته، حسن. ۱۳۹۲، نقش جریان‌های فضایی در فرایند خزش روستایی مطالعه موردی، ناحیه سلیمان آباد، فصلنامه برنامه ریزی کالبدی فضایی، شماره ۲، صفحات ۹-۲۴
- افراخته، حسن؛ حجی پور، محمد. ۱۳۹۲، خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند، فصلنامه جغرافیا (فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیا)، شماره ۳۹، صص ۱۵۸-۱۸۵
- امانپور، سعید، هادی علیزاده و حسن قراری. ۱۳۹۲، تحلیلی بر مکان یابی جهات بهینه توسعه فیزیکی شهر اردبیل با استفاده از مدل AHP، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۳، شماره ۳، صص ۸۳-۹۶
- جلالیان، حمید؛ ضبائیان، پرویز؛ دارویی، پرستو؛ کریمی خدیجه. ۱۳۹۲، تحلیل خزش شهری و تحولات کاربری اراضی مطالعات تطبیقی شهرهای ارومیه و اصفهان، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی فضایی، سال دوم، شماره ۴، صص ۷۳-۹۸
- حسینی، سید هادی؛ حسینی، معصومه. ۱۳۹۴، تحلیل عوامل مؤثر بر ایجاد پراکنده رویی در مناطق شهری ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۳۳-۶۵
- رضوانی، محمد رضا. ۱۳۹۱، تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۴، شماره ۴۳، صفحات ۸۱-۹۴

- رهنمایی، محمدتقی. ۱۳۸۸، دولت و شهرنشینی در ایران؛ مبانی و اصول کلی نظری توسعه شهر و شهرنشینی در ایران، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پیش شماره پاییز ۱۳۸۸
- سعیدی، عباس و بهرام ایمانی. ۱۳۹۳، نقش عوامل و نیروهای درونی و بیرونی در روند دگردیسی کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی، نشریه جغرافیا، شماره ۴۰، صص ۶۱-۸۴
- سعیدی، عباس؛ رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ احمدی، منیژه. ۱۳۹۲، الحاق شهری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر زنجان؛ مورد: روستاهای سایان و گاوازنگ. مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۳۳، صص ۳-۱۶.
- ضیاءتوانا، محمد حسن و حامد قادرمرزی. ۱۳۸۸، تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری در فرآیند خزش شهر روستاهای نایسر و حسن آباد سنندج، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۱۶۸، صفحات ۱۱۹-۱۳۵
- عباس‌زادگان، مصطفی؛ رستم یزدی، بهمن. ۱۳۸۷، بهره‌گیری از رشد هوشمندانه در ساماندهی رشد پراکنده شهرها، مجله فناوری و آموزش، سال سوم، شماره ۱.
- عزیزپور، ملکه؛ حسین زاده دلیر، کریم؛ اسمعیل پور، نجم. ۱۳۸۷، بررسی رابطه رشد افقی سریع شهر یزد و تحرکات جمعیتی در این شهر، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره پیاپی ۳۴.
- قادرمرزی حامد و ضیاءتوانا، محمد حسن. ۱۳۸۸، تغییر کاربری اراضی روستایی پیراشهری در فرآیند خزش شهر روستاهای نایسر و حسن آباد سنندج، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۶.
- قادرمرزی، حامد و مریم افشاری. ۱۳۸۷، تحلیل تطبیقی تحولات شهرنشینی و روستانشینی منطقه زاگرس در طی نیم قرن اخیر، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی سنتی زاگرس، انتشارات دانشگاه کردستان، سنندج.
- قاسمی سیانی، محمد، حسن افراخته، وحید ریاحی و فرهاد عزیزپور. ۱۳۹۸، تبیین تحولات ساختاری-کارکردی سکونت و مسکن روستایی، مطالعه موردی، بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان، نشریه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال سوم، شماره ۶، پیاپی ۱۰، صص ۴۷-۶۴.
- کارگر، بهمن و رحیم، سرور. ۱۳۹۰، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- محمدی، سعدی، اسکندر مرادی و شرمین حسینی. ۱۳۹۷، شناسایی و تحلیل اثرات خزش شهری بر وضعیت توسعه نواحی روستایی، پیرامون، مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر مریوان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۶.
- Abudu, D.; Echima, R. & Andogah, G (2018), **Spatial assessment of urban sprawl in Arua Municipality, Uganda. The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Science**, 7 December 2018.
- Alberti, M., (2005), **The effects of urban patterns on ecosystem function**, International regional science review, 28(2), 168-192.
- Angel, S., Parent, J. and Civco, D. (2007) **“Urban Sprawl Metrics: An Analysis of Global Urban Expansion Using GIS”**, Proceedings of ASPRS 2007 Annual Conference, Tampa, Florida May 7-11.
- Archer, R.W. (1973) **“Land Speculation and Scattered Development: Failures in the Urban-fringe Market”**, Urban Studies, 10, 367-372.
- Batty, M., Besussi, E., & Chin, N., (2003), **Traffic, urban growth and suburban sprawl.**
- Bengston, David N.; Robert S. Potts; David P. Facn and Edward G. Goetz (2005) **“An Anlysis of the Public Discourse about Urban Sprawl in the United States: Monitoring**

- Concern about a Major Threat to Forests**", Forest Policy and Economics Volume 7, Issue 5, August 2005, Pages 745-756.
- Brueckner, J. K. (2000) "**Urban Sprawl: Diagnosis and Remedies**", International Regional Science Review, 23(2), 160-171.
 - Burchell, R., Downs, A., McCann, B., & Mukherji, S. (2005), **Sprawl costs: Economic impacts of unchecked development**, Island Press.
 - Burchell, R.W., Lowenstein, G., Dolphin, W.R., Galley, C.C., Downs, A., Seskin, S., Still, K.G. & Moore, T., (2002), **Costs of Sprawl 2000, Transit Cooperative Research Program (TCRP) Report 74**, published by Transportation Research Board, Washington
 - Clawson, M. (1962) "**Urban Sprawl and Speculation in Suburban Land**", Land Economics, 38(2), 99-111.
 - Downs, A. (1999) "**Some Realities about Sprawl and Urban Decline**", Housing Policy Debate, 10(4), 955-974.
 - Ewing, R., Pendall R., Chen D. (2002) "**Measuring Sprawl and its Impact**" Vol. 1 (Technical Report). Smart Growth America, Washington D C. <http://www.smartgrowthamerica.org>
 - Frenkel, A., Ashkenazi, M. (2007) **The Integrated Sprawl Index: Measuring the Urban Landscape in Israel**", Ann Reg Sci 42:99-121. DOI 10.1007/s00168-007-0137-3.
 - Johnson, MP. (2001) "**Environmental Impacts of Urban Sprawl: A Survey of the Literature and Proposal Resaerch Agenda**", Environ Plan A 33: 717-735
 - Krieger, D. J. (1999). **Saving Open Spaces: public support for farmland protection**. American Farmland Trust Center for Agriculture in theEnvironment. National Conference Proceedings: The Ohio State University, Columbus, Ohio, September. Available from: <http://atvb.ahajournals.org/>.
 - Lungo, M., (2001), **Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America**, Land Lines, Volume 13 (2), 28-39.
 - Muller ES, Hamilton BW (1994) **Urban Economics**, Harper Collins College, New York.
 - Ostrom , E, (1990), **is governing the commons**, Cambridge University Press, Cambridge;
 - Vescovi, f, d, park, s. & viek. P.I .G (2002), **Detection of human-induced and cover change in savannah landscape in Ghana**: I. change detection and quantification. 2nd workshop of the earsel special interest group on remote sensing for developing countries, 18-20 September, Bonn, Germany;
 - Wilson, E.H., Hurd, J.D., Civco, D.L., Prisloe, S. and Arnold, C. (2003) "**Development of a Geospatial Model to quantify**", describe and map urban growth. Remote Sensing of Environment, 86(3), 275-285.